



## حمید محمدی؛ حرفه‌ای و باشخصیت

در گویش می گفته است: علی، لطفا بیا بالا؛ انرژی‌ات را دوباره بیشتر کن. اما روزهایی هم بوده که حمید محمدی وارد اتاق گرم شده‌واز موضوعی ناراحت بوده. با هم صحبت کرده‌ایم و او از اتفاقی که برایش افتاده، گشته است؛ اما وقتی دوربین روشن شده، دیده‌ام که چقدر حرفه‌ای عمل می‌کند و اجازه نمی‌دهد حال روحی‌اش روی کارش تأثیر بگذارد. این نشان می‌دهد که او در طول این سال‌ها چقدر حرفه‌ای شده است. درباره شخصیتش هم باید بگویم به همان اندازه که فکر می‌کنید آدم فهمیده و با ملاحظه‌ای است، واقعا همین طور است. همکاری با او خیلی لذت‌بخش است. »



## قلعه‌نویی در شبکه ورزش خط قرمز نیست!

را انجام ندهید. حدود مرزها مشخص هستند، اما اگر برنامه‌های ما در دو هفته اخیر و بعد از مشخص شدن بازی‌های دوستانه تیم ملی نگاه کنید، می‌بینید که شاید هیچ‌کس به اندازه ما کادر فنی را به چالش نکشیده باشد. مادر باره عملکرد آن‌ها صحبت و انتقادهای مختلفی مطرح کرده‌ایم. بنابراین، به هیچ عنوان این نگاه وجود ندارد که باید به شکلی با آقای قلعه‌نویی صحبت کنیم که انتقادی متوجه او نشود. البته در باره تجربه شخصی خودم و برنامه‌هایی صحبت می‌کنم که در آن‌ها حضور دارم. شاید در بخش‌های دیگری اتفاقاتی بیفتد که من از آن‌ها خبر نداشته باشم. اما تا جایی که من می‌دانم، سیاست وجود ندارد که بگوید از یک نقطه به بعد نباید از قلعه‌نویی انتقاد کرد. اگر منظور آن این است که آیا قلعه‌نویی در شبکه ورزش مقدس است، این طور نیست. »

## ارتباط با مردم مشکل اصلی قلعه‌نویی

تیم حتما فینالیست می‌شود یا قهرمان خواهد شد؟ هیچ دوره‌ای چنین اطمینانی نداشته‌ایم. باین حال، در بسیاری از دوره‌ها همراهی مردم باتیم ملی بیشتر از امروز بوده است. چرا؟ چون تیمرسانه‌ای تیم ملی و ادیبانی که سرمربی آن تیم به کار می‌برد، مردم را با خودش همراه می‌کرد. همان طور که با افشین قطعی فکر می‌کردیم تیم موفق می‌شود و شاید قهرمان شویم، این امید در جامعه شکل می‌گرفت. به نظر من مشکل اصلی تیم ملی این است که چنین ادیبانی از سوی آقای قلعه‌نویی شکل نگرفته است. مردم بیشتر از این که نگران باشند بازیکنی با ۲۴ سال سن دعوت شده یا بازیکنی ۲۵ ساله، به دنبال بهانه‌ای هستند تا نارضایتی خودشان را از شیوه ارتباط سرمربی و کادر فنی تیم ملی با افکار عمومی نشان دهند. یک روز این نارضایتی را با موضوع علیرضا بیرانوند نشان می‌دهند و روز دیگر با دعوت از بازیکنی ۳۲ یا ۳۳ ساله. و گرنه به نظر من از نظر فنی، مسئله اصلی مردم در حال حاضر این نیست که چرا تیم ملی به این شکل بازی می‌کند یا چرا شرایطش به شکل دیگری نیست. مسئله مهم‌تر، نوع ارتباط تیم ملی با مردم و حساسی است که این تیم به جامعه منتقل می‌کند. »

گران پایه درباره همکاری با حمید محمدی و تجربه حضور در کنار او مقابل دوربین می‌گوید: «من و حمید محمدی قبل از این هم دو کار مشترک انجام داده بودیم و با هم رفاقت داشتیم. حمید آدمی است که ممکن است عصبانی شود، اما به دلیل سال‌های طولانی حضور دوربین، خیلی خوب می‌داند وقتی دوربین روشن می‌شود باید چه کار کند. من به دلیل این که تمام این سال‌ها پشت دوربین بوده‌ام و تجربه کمتری در برابر دوربین دارم، گاهی شرایط متفاوتی را تجربه می‌کنم. روزهایی بوده که حال روحی‌ام کاملاً روی آنتن مشخص بوده و تهیه‌کننده، علی اقتدار، مدام

گران پایه راجع به این که آیا شبکه ورزش درباره سرمربی تیم ملی سیاست مشخصی دارد و برای انتقاد از امیر قلعه‌نویی محدودیت و خط قرمزی وجود دارد یا خیر، می‌گوید: «واقعیت این است که خط قرمز به این معنا وجود ندارد، اما نباید در خط قرمز به این معنا نیست که استراتژی نداشته باشیم. طبیعتاً قبل از هر برنامه، مثلاً شب‌های فوتبالی که خودم کار محتوایی آن را انجام می‌دهم، با آقای توتونچی صحبت می‌کنیم. در برنامه روی جلد هم درباره موضوعات صحبت می‌کنیم و حتماً با یک استراتژی وارد برنامه می‌شویم. بخش مهمی از این استراتژی طبیعتاً از مدیران کلان سازمان، شورای ورزش و مدیر شبکه نشئت می‌گیرد؛ اما در این چند سالی که من حضور داشتم، پیش‌نیامده که به ما بگویند حق ندارید از قلعه‌نویی انتقاد کنید یا فلان کار

گران پایه درباره این که تیم ملی باتوجه به عملکرد امیر قلعه‌نویی و کادرش در بازی‌های دوستانه اخیر ایران در جام ملت‌های آسیا موفق خواهد شد یا خیر، توضیح می‌دهد: «افشین قطعی زمانی که سرمربی پرسپولیس بود و تیم قهرمان شد، در مقطعی از فصل شرایط سختی داشت و حتی امتیاز هم از این تیم کسر شد. باین حال، قطعی به دلیل روحیه و ادیبانی که وارد فوتبال ایران کرد، به شکلی با افکار عمومی صحبت می‌کرد که این حس را به هواداران پرسپولیس می‌داد که موفق می‌شوند. الان هم به نظر من مسئله اصلی این نیست که تیم ملی در جام ملت‌های آسیا قهرمان می‌شود، به فینال می‌رسد یا نه، بلکه چیزی که مردم را اذیت می‌کند، حس است که از تیم ملی می‌گیرند. به نظر من امیر قلعه‌نویی، کادر فنی تیم ملی و تیم رسانه‌ای آن نتوانسته‌اند ارتباط مناسبی با افکار عمومی برقرار کنند. آن‌ها نتوانسته‌اند زبان مشترکی با مردم پیدا کنند تا جامعه نسبت به تیم ملی امیدوار باشد. در واقع، در ۵۰ سال اخیر چند بار به جام ملت‌های آسیا رفته‌ایم و قبل از مسابقات فکر کرده‌ایم که این



## ۴۰ تا ۵۰ میلیون تومان

## برای یک شب حضور مربی در تلویزیون

گران پایه در خصوص تأثیر مسائل مالی بر دعوت از چهره‌های ورزشی و افزایش رقابت میان رسانه‌های می‌گوید: «رقابت در فضای برنامه‌سازی خیلی سنگین‌تر شده است. زمانی اگر یک سرمربی یا بازیکن فوتبال می‌خواست در یک رسانه جمعی حضور پیدا کند و صحبت کند، نیازمند این بود که در برنامه‌های تلویزیونی حاضر شود. اما حالا صفحه شخصی خود افراد، باشگاه‌های فوتبال و رسانه‌های مختلف این امکان را به آن‌ها می‌دهند که دیده شوند. در واقع، مرجعیت دیده‌شدن از صداوسیما خارج شده است؛ هر چند تلویزیون همچنان اعتبار بیشتری دارد. هنوز هم وقتی می‌گویم فلان موضوع را در تلویزیون مطرح کردند، به آن اعتبار می‌دهیم. مثلاً در حوزه ورزش می‌گویم امیر قلعه‌نویی در تلویزیون فلان حرف را زد. مردم چیزی را که در تلویزیون می‌بینند برایشان اعتبار بیشتری نسبت به محتوایی دارد که در شبکه‌های اجتماعی مشاهده می‌کنند. باین حال، رقابت برای دعوت از چهره‌ها افزایش پیدا کرده است. الان ممکن است یک مجری مشهور در برنامه خودش در شبکه‌های اجتماعی، یک میلیارد تومان به مهمانش پول بدهد تا یک ساعت و نیم در برنامه حضور پیدا کند. تلویزیون طبیعتاً چنین بودجه‌ای ندارد؛ اما وقتی سراغ ویژه برنامه‌هایی مثل جام جهانی یا جام ملت‌های آسیا می‌رویم، برای رقابت با رسانه‌های مختلف، هزینه‌ها بالا می‌رود. برای مثال، وقتی می‌خواهید یک سرمربی را به ویژه برنامه جام جهانی دعوت کنید، ممکن است مجبور باشید برای یک شب حضور او ۴۰۰ یا ۵۰۰ میلیون تومان هزینه کنید. چرا باید چنین کاری انجام دهید؟ چون اگر این کار را نکنید، هم‌زمان چند برنامه دیگر در حال تولید هستند و همه می‌خواهند همان چهره‌ها را دعوت کنند. تعداد افرادی که به عنوان چهره رسانه‌ای ورزشی شناخته می‌شوند محدود است و در نهایت ممکن است شما دست خالی بمانید. »

## خداداد بی‌ملاحظه، خیابانی یک‌دنده

گران پایه راجع به رفتار و شخصیت خیابانی و خداداد جلوی دوربین که همیشه با حاشیه‌هایی همراه است، می‌گوید: «خداداد عزیزی در برنامه‌های مختلف نشان داده که به طور کلی جلوی دوربین ملاحظه خاصی ندارد. ما وقتی با هم صحبت می‌کنیم، اگر دوربین روشن شود، لحن ما را تغییر می‌دهیم و رفتارمان کمی متفاوت می‌شود؛ اما خداداد این طور نیست. به همین دلیل گاهی از او شکایت می‌شود که چرا چنین حرف‌هایی می‌زند. خودش هم می‌گوید من همین حرف‌هایی را می‌زنم که شما می‌زنید، اما وقتی دوربین خاموش است. شاید من هم حرف‌هایی را که او درباره دونالد ترامپ یا اینفلانسنیو مطرح کرده، در یک جمع خصوصی بزنم؛ اما وقتی دوربین روشن است و میلیون‌ها نفر در حال تماشای برنامه هستند، شرایط فرق می‌کند. نداشتن ملاحظه در برابر دوربین باعث می‌شود فرد صدایش را بیشتر از حد معمول بالا ببرد یا حرف‌هایی بزند که شاید در جمع‌های دیگر به آن شکل مطرح نکند. از طرف دیگر، جواد خیابانی در بعضی نظراتش واقعا اصرار دارد و آدم منعطفی نیست. ممکن است شما فکر کنید نظر درستی دارید، اما او روی نظر خودش می‌ایستد. به نظر من تقابل این دو شخصیت، بدون این که نیاز به مهندسی داشته باشد، به شکل‌گیری چنین اتفاقاتی منجر می‌شود. »



# تلویزیون همچنان در زمینه ورزش برنده است

گفت‌وگو با علیرضا گران پایه، مجری برنامه «روی جلد» شبکه ورزش و سردبیر برنامه‌های تلویزیونی، درباره جایگاه تلویزیون در رسانه‌های ورزشی، هزینه دعوت از چهره‌ها و چالش‌های ارتباط تیم ملی با افکار عمومی

مجید حسین زاده | روزنامه‌نگار

رسانه‌های ورزشی امروز فقط محل انعکاس اتفاقات فوتبال نیستند؛ رقابت بر سر مخاطب، حضور چهره‌های خبرساز، هزینه‌های برنامه‌سازی و حاشیه‌هایی که گاهی روی آنتن شکل می‌گیرند، بخش مهمی از دنیای پشت دوربین را ساخته‌اند. در این میان، شبکه ورزش تلویزیون همچنان با تکیه بر بخش مسابقات و برنامه‌های تخصصی، جایگاه خود را در فضای رسانه‌ای حفظ کرده است؛ هر چند رقابت با شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های جدید، قواعد جذب مخاطب را تغییر داده است. اما در پشت‌صحنه برنامه‌های ورزشی چه می‌گذرد؟ حاشیه‌های چهره‌هایی مانند جواد خیابانی و خداداد عزیزی چقدر خودجوش است؟ رقابت رسانه‌ها برای دعوت از چهره‌های مطرح چه هزینه‌ای دارد و تلویزیون چگونه می‌تواند با مخاطبان ارتباط مؤثرتری برقرار کند؟ برای بررسی این موضوعات و شناخت بیشتر پشت‌پرده برنامه‌سازی ورزشی با علیرضا گران پایه، مجری برنامه «روی جلد» شبکه ورزش و سردبیر برنامه‌های تلویزیونی، گفت‌وگو کرده‌ایم.

## مرجعیت ورزشی تلویزیون همچنان حفظ شده

خانگی و پلتفرم‌های ویدیویی. اما مورد سوم هنوز تضعیف نشده. واقعیت این است که مردم همچنان مسابقات ورزشی را تماشا می‌کنند. بخش دوم هم این است که واقعا برنامه‌سازی در حوزه ورزش در تلویزیون با کیفیت خوبی انجام می‌شود. البته منظور من این نیست که همه چیز ایده‌آل است، اما کیفیت برنامه‌سازی خوب است. نکته دیگر این است که ارتباط چهره‌های نخبه ورزشی با تلویزیون همچنان خیلی خوب است. تقریباً چهره‌ای در ورزش نداریم که بگویم به تلویزیون نمی‌آید. بعضی افراد هم می‌گویند با تلویزیون مصاحبه نمی‌کنیم که معمولاً این موضوع به دلیل یک ناهمخوانی یا دلخوری مقطعی از یک شخص است. مثلاً ممکن است در برنامه‌های فوتبالی یا فوتبال برتر نکته‌ای گفته شود و فردی به خاطر آن ناراحت شده باشد، اما این به معنای مخالفت با کلیت تلویزیون نیست. به همین خاطر می‌خواهم بگویم که مرجعیت ورزشی تلویزیون همچنان حفظ شده است. »



## ۲۰ میلیون بیننده «خندوانه» در برابر ۲ میلیون «کارناوال»

برنامه اصلاً قابل مقایسه نیستند. وقتی درباره عملکرد عادل فردوسی‌پور در ۳۶۰ جایگاه تلویزیون در جذب مخاطب توضیح می‌دهد: «به نظر من حرفی که را امید جوان زد، نوعی اعتراف بزرگ و جسورانه بود. او گفت من کارناوال را ساخته‌ام و به نظر من کیفیت این برنامه خوب است؛ اما در بهترین حالت یک یا دو میلیون بیننده دارم. این حرف مهمی است؛ چون ما بالاخره گاهی گول اعداد را می‌خوریم. تلویزیون عدد و آمار مشخصی را در اختیار مخاطب نمی‌گذارد، اما شبکه‌های اجتماعی عدد دارند و ما تحت تأثیر آن قرار می‌گیریم. وقتی در اکسپلور می‌بینیم که مثلاً سینا ساعی در کارناوال اجرا می‌کند، تصویری که این برنامه چقدر مخاطب دارد؛ اما کسی که واقعا پشت پلتفرم نمایش خانگی نشسته و آمار را بررسی می‌کند، متوجه می‌شود که برنامه یک یا دو میلیون بیننده دارد. در حالی که را امید جوان خودش گفته بود بدترین شب‌های «خندوانه» در شبکه نسیم ۲۰ میلیون بیننده داشته! از نظر آمار، این دو

برنامه اصلاً قابل مقایسه نیستند. وقتی درباره عملکرد عادل فردوسی‌پور در ۳۶۰ جایگاه تلویزیون در جذب مخاطب توضیح می‌دهد: «به نظر من حرفی که را امید جوان زد، نوعی اعتراف بزرگ و جسورانه بود. او گفت من کارناوال را ساخته‌ام و به نظر من کیفیت این برنامه خوب است؛ اما در بهترین حالت یک یا دو میلیون بیننده دارم. این حرف مهمی است؛ چون ما بالاخره گاهی گول اعداد را می‌خوریم. تلویزیون عدد و آمار مشخصی را در اختیار مخاطب نمی‌گذارد، اما شبکه‌های اجتماعی عدد دارند و ما تحت تأثیر آن قرار می‌گیریم. وقتی در اکسپلور می‌بینیم که مثلاً سینا ساعی در کارناوال اجرا می‌کند، تصویری که این برنامه چقدر مخاطب دارد؛ اما کسی که واقعا پشت پلتفرم نمایش خانگی نشسته و آمار را بررسی می‌کند، متوجه می‌شود که برنامه یک یا دو میلیون بیننده دارد. در حالی که را امید جوان خودش گفته بود بدترین شب‌های «خندوانه» در شبکه نسیم ۲۰ میلیون بیننده داشته! از نظر آمار، این دو